****

[منع از عمره مفرده قبل از اتمام حج تمتع 1](#_Toc488489993)

[تمسک مرحوم تبریزی به صحیحه حلبی 1](#_Toc488489994)

[مناقشه 2](#_Toc488489995)

[کلام صاحب کتاب مصباح الناسک 2](#_Toc488489996)

[مناقشه 2](#_Toc488489997)

[بررسی حکم اتیان به عمره مفرده بعد از تقصیر عمره تمتع و قبل از احرام حج تمتع 3](#_Toc488489998)

[کلام محقق نایینی ره 3](#_Toc488489999)

[مناقشه محقق خویی ره 3](#_Toc488490000)

[مناقشه در کلام محقق خویی ره 5](#_Toc488490001)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## منع از عمره مفرده قبل از اتمام حج تمتع

### تمسک مرحوم تبریزی به صحیحه حلبی

مرحوم تبریزی در کتاب التهذیب به روایتی تمسک کرده که اگر استدلال به آن تمام باشد، در قبل و بعد از تقصیر حج منع از عمره مفرده می کند، صحیحه حلبی: ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ جَمِيعاً ثُمَّ قَدِمَ مَكَّةَ وَ النَّاسُ بِعَرَفَاتٍ فَخَشِيَ إِنْ هُوَ طَافَ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَوْقِفُ فَقَالَ يَدَعُ الْعُمْرَةَ فَإِذَا أَتَمَّ حَجَّهُ صَنَعَ كَمَا صَنَعَتْ عَائِشَةُ وَ لَا هَدْيَ عَلَيْهِ.[[1]](#footnote-1)

ایشان فرموده جمله اخیر می گوید وقتی حج را تمام کند، می تواند عمره مفرده انجام دهد و مفهومش این است که قبل از اتمام حج نمی تواند عمره مفرده بجا آورد.

#### مناقشه

اما به نظر می رسد استدلال به این روایت قابل مناقشه است، زیرا شاید این حکم مختص به حج افراد انقلابی باشد که قرار است از حج تمتع مجزی باشد، شاید در این صورت حکم شود که حج انقلابی افراد باید اتمام شود و بعد عمره انجام گیرد و الغاء خصوصیت از آن به اتیان عمره مفرده در اثناء حج تمتع مشکل است.

علاوه بر این که عرف از فاذا اتم حجه، اعتبار یک شرط تعبدی نمی فهمد، متعارف این است که افراد، ادخال نسک در نسک نمی کنند، لذا دیگر ظهور پیدا نمی کند در این که بیان شرط تعبدی باشد.

نکته

### کلام صاحب کتاب مصباح الناسک

در کتاب مصباح الناسک گفته اند اگر این شخص قبل از تقصیر حج، به عمره مفرده محرم شود، چگونه می خواهد تقصیر کند، آیا اول برای حج تقصیر می کند یا برای عمره؟ اگر بخواهد برای حج تقصیر کند که هنوز محرم به عمره مفرده است و حق تقصیر ندارد و بالعکس!

#### مناقشه

اما به نظر ما این اشکال تمام نیست، زیرا؛

اولا: امکان تقارن هست که هم زمان، مقداری از موی سر و موی لحیه را برای هر یک از دو احرام کوتاه کند.

ثانیا: یک تقصیر به قصد حج و عمره هر دو، کافی است.

ان قلت: اصل عدم تداخل است.

قلت: بلکه اصل تداخل است، اگر بین دو فعل، نسبت عموم من وجه باشد، مثل اکرم عالما و اکرم هاشمیا، اگر اکرام هاشمی شود، اصل تداخل است و امتثال هر دو شده است و محقق خوئی نیز در نماز نافله مغرب و نماز غفیله با این که هر دو عنوان قصدی هستند، این مطلب را فرموده است.

ثالثا: اگر اعمال حج را تمام کنیم و فقط تقصیر یا حلق باقی مانده باشد، دلیلی بر حرمت تقصیر به قصد عمره مفرده نداریم، مثلا المحرم لایاخذ من شعر الحلال که اطلاقی ندارد که شامل شود اخذ به قصد تقصیر را یا این که روایت می گوید محرم کشتی نگیرد که موی او بریزد، نیز چنین اطلاقی ندارد.

صاحب جواهر به آیه و اتموا الحج و العمرة لله[[2]](#footnote-2) استدلال کرده و فرموده اتمام حج، به عدم فاصله افتادن بین افعال عمره تمتع و حج است.

و لکن معنای آیه اتموا چنین چیزی نیست و لذا بعد از تقصیر حج، دلیلی بر منع از احرام به عمره مفرده نداریم.

## بررسی حکم اتیان به عمره مفرده بعد از تقصیر عمره تمتع و قبل از احرام حج تمتع

### کلام محقق نایینی ره

محقق نائینی فرموده عمره مفرده در این فترة بلامانع است، آن چه ممنوع است، خروج متمتع از مکه به مقدار مسافت شرعی است، اما رفتن به تنعیم برای احرام مانعی ندارد.

#### مناقشه محقق خویی ره

اما محقق خوئی در این نظریه مناقشه کرده و به سه بیان، نفی مشروعیت عمره در این فترة نموده است:

بیان اول

احرام برای عمره مفرده متوقف بر خروج به ادنی الحل است و خروج از مکه قدیمه و لو به اقل از مسافت شرعیه حرام است، معیار در این موارد نیز مکه قدیمه است و تنعیم نیز از مکه قدیمه خارج است.

بیان دوم

نظریه مشروعیت عمره مفرده در این فتره، خلاف صحیحه حماد است که می گوید اگر کسی بعد از عمره تمتع از مکه خارج شد و در ماه بعد به مکه برگشت، باید با احرام جدید وارد مکه شود و همین عمره جدید، عمره تمتع اوست: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعاً فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ- لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ حَتَّى يَقْضِيَ الْحَجَّ- فَإِنْ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى عُسْفَانَ أَوْ إِلَى الطَّائِفِ- أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ خَرَجَ مُحْرِماً وَ دَخَلَ مُلَبِّياً بِالْحَجِّ- فَلَا يَزَالُ عَلَى إِحْرَامِهِ- فَإِنْ رَجَعَ إِلَى مَكَّةَ رَجَعَ مُحْرِماً وَ لَمْ يَقْرَبِ الْبَيْتَ- حَتَّى يَخْرُجَ مَعَ النَّاسِ إِلَى مِنًى عَلَى إِحْرَامِهِ- وَ إِنْ شَاءَ وَجَّهَهُ ذَلِكَ إِلَى مِنًى- قُلْتُ فَإِنْ جَهِلَ فَخَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ- أَوْ إِلَى نَحْوِهَا بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- ثُمَّ رَجَعَ فِي إِبَّانِ الْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ- يُرِيدُ الْحَجَّ فَيَدْخُلُهَا مُحْرِماً أَوْ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- قَالَ إِنْ رَجَعَ فِي شَهْرِهِ دَخَلَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ- وَ إِنْ دَخَلَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ دَخَلَ مُحْرِماً- قُلْتُ فَأَيُّ الْإِحْرَامَيْنِ وَ الْمُتْعَتَيْنِ- مُتْعَتُهُ الْأُولَى أَوِ الْأَخِيرَةُ- قَالَ الْأَخِيرَةُ هِيَ عُمْرَتُهُ- وَ هِيَ الْمُحْتَبَسُ بِهَا الَّتِي وَصَلَتْ بِحَجَّتِهِ- قُلْتُ فَمَا فَرْقٌ بَيْنَ الْمُفْرَدَةِ وَ بَيْنَ عُمْرَةِ الْمُتْعَةِ- إِذَا دَخَلَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ قَالَ- أَحْرَمَ بِالْعُمْرَةِ وَ هُوَ يَنْوِي الْعُمْرَةَ- ثُمَّ أَحَلَّ مِنْهَا وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ دَمٌ- وَ لَمْ يَكُنْ مُحْتَبَساً بِهَا- لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ يَنْوِي الْحَجَّ.[[3]](#footnote-3)

ظاهر روایت این است که عمره تمتع باید وصل به حج باشد، و از این که عمره ثانیه، عمره تمتع است، معلوم می شود که شرع مقدس فاصله انداختن بین عمره تمتع و حج را جایز نمی داند، و گرنه چرا عمره متوسطه، عمره مفرده نباشد؟

بیان سوم

اگر عمره مفرده در این فترة مشروع بود، نقل می شد و در روایتی بیان می شد و یا اصحاب انجام می­دادند، در حالی که در هیچ روایتی از ائمه علیهم السلام یا اصحاب چنین چیزی نقل نشده است.

##### مناقشه در کلام محقق خویی ره

نقد بیان اول

اولا: خروج به توابع مکه اشکال ندارد و خود ایشان نیز فتوا به جواز خروج به توابع مکه قدیمه داده است و تنعیم نیز از توابع عرفی مکه قدیمه است.

ثانیا: لایخرج من مکه عرفا اعم از مکه قدیمه و جدیده است و مقصود این است که از شهر مکه ولو مکه جدیده خارج نشود.

ثالثا: بر فرض که خروج از مکه قدیمه حرام باشد، اما این دلیل بر بطلان احرام به عمره مفرده نمی­شود.

نقد بیان دوم

چنان که قبلا گفتیم، مفاد بیان دوم، بیش از اثبات عدم مشروعیت عمره مفرده در اثناء است، زیرا گفته می شود که مفاد صحیحه حماد این است که ارتباط بین حج و عمره و اتصال آن دو به هم، شرط صحت حج تمتع است و عمره مفرده در اثناء، سبب انفصال و بطلان عمره تمتع می شود.

و لکن این فرمایش به معنای مانعیت عمره مفرده نسبت به عمره تمتع سابق است و سبب می شود که منفصل از حج شود، نه این که عمره مفرده باطل باشد.

البته شاید مقصود ایشان هم همین باشد که عمره تمتع با این عمره مفرده متخلله باطل می شود، کما عن السید السیستانی.

آیت الله زنجانی هم فرموده اظهر فساد عمره تمتع است، گرچه در بطلان عمره مفرده اشکال است.

به نظر ما این بیان دوم هم ناتمام است، زیرا صحیحه حماد دو گونه تفسیر شده است، برخی مثل محقق خوئی و آیت الله سیستانی این گونه تفسیر کرده اند که شخصی که بعد از عمره تمتع، خارج از مکه یا حرم می­شود، و در ماه جدید به مکه بر می گردد، خود این خروج و عدم عود در همان ماهی که از مکه خارج شده، مبطل عمره تمتع است.

بنا بر این تفسیر، صحیحه حماد بی ارتباط به بحث ما خواهد بود، زیرا این صحیحه می گوید عمره تمتع باطل است و اگر بدون احرام برای عمره مفرده هم به مکه برگردد، مشکل حل نمی شود، زیرا به نفس خروج و عدم عود در ماه خروج، عمره تمتع باطل شده، چه عمره جدیده ای انجام دهد و چه انجام ندهد.

این روایت بنا بر این تفسیر می گوید عمره اولی باطل شد، و طبعا عمره بعدی، عمره تمتع خواهد شد.

ممکن است محقق خوئی و آیت الله سیستانی بگویند عمره تمتع باطل می شود، و لکن روایت تعبیری دارد که می فهماند عمره تمتع باید متصل به حج باشد، و این تعبیر، محل استدلال به این صحیحه است و آن تعبیر «التی وصلت بحجته» است، در حالی که عمره مفرده سبب انفصال می شود.

و لکن جواب این است که این صحیحه بحث اتصال عرفی را مطرح نکرده، بلکه همان وصل شرعی که دخلت العمرة فی الحج الی یوم القیامة را مطرح می کند، در این روایت حضرت می فرماید این عمره دوم است که ارتباط شرعی با حج دارد و به آن محتبس است، نه عمره اول.

اما تفسیر دیگری که برای این روایت بر طبق مبنای صاحب جواهر و صاحب عروه و مرحوم تبریزی شده این است که از روایت فقط حکم تکلیفی استفاده می شود، چون بر اساس روایات، لکل شهر عمرة و هر ماهی یک عمره دارد، لذا در ماه جدید که وارد مکه می شود، بدون احرام حق ورود به مکه ندارد، اما اگر نسیانا یا جهلا به مکه وارد شود، عمره تمتع قبلی مجزی است و تکرار آن لازم نیست.

بنا بر این تفسیر، تقریب استدلال واضح تر است، زیرا گفته می شود که چرا در روایت اجازه داده نشد که لدی الورود به مکه، به عمره مفرده محرم شود تا عمره تمتع سابق هم محفوظ بماند؟ عدم تجویز احرام به عمره مفرده وجهی ندارد مگر همین که مکلف حق نداشته باشد عمره مفرده متخلله انجام دهد.

و لکن این استدلال نیز ناتمام است، زیرا حماد فرض کرده که ای الاحرامین و المتعتین، متعته؟ یعنی او فرض کرد که عمره دوم هم عمره تمتع بوده است و امام علیه السلام هم بر طبق فرض او فرمود عمره تمتع دوم، عمره تمتع اوست و در واقع حضرت اجازه داده که این شخص به عمره تمتع محرم شود و با آن عمره قبلی باطل شود، اما خود امام علیه السلام که منع از احرام به عمره مفرده نفرمود.

1. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 174؛ 11 باب الإحرام للحج ؛ ج 5، ص : 166](http://lib.eshia.ir/10083/5/174) [↑](#footnote-ref-1)
2. [سوره بقره، آيه 196.](http://lib.eshia.ir/17001/1/30/%D9%88%D8%A7%D8%AA%D9%85%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص303، أبواب وجوب الإتیان بعمرة التمتع...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/303/%D9%81%D8%B1%D9%82) [↑](#footnote-ref-3)